

تاریخ انقلاب

**طرح ربودن هواپیمای امام(ره) همسویی امریکا با سلطنت طلبان**

امام(ره)،اواخر دی ماه ۱۳۵۷ اعلام کرد که طی چند روز آینده، به ایران بازخواهد گشت. این خبر که ضربه مهلکی بر دولت بختیار و دیگر سلطنت طلبان وارد کرد، آنان را به تحلیل و چاره اندیشی واداشت. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، بر این اساس، چند سناریو از سوی بختیار و فرماندهان نظامی آمریکایی، از جمله ژنرال هایزر، برای جلوگیری از بازگشت امام(ره) به کشور، مطرح شد. یکی از این سناریوها، طرح ربودن هواپیمای حامل امام(ره) بود که در اسناد بسیاری به آن اشاره شده است. دوم بهمن ۱۳۵۷، بختیار طرح را در جلسه ای با حضور برخی از مسئولان و فرماندهان نظامی و امنیتی بررسی کرد. در این جلسه که به دستور هایزر، فرستاده نظامی آمریکا، تشکیل شده بود، برخی از مقامات نظامی و امنیتی آمریکایی نیز حضور داشتند. هایزر در این باره، در خاطرات خود می نویسد: «اکثر بحث های گروه، مربوط به جلوگیری جلوگیری از بازگشت خمینی به تهران بود و راه های مختلف از جمله بستن باند [فرودگاه] و... در این جلسه مطرح شد». پیش از این طرح، گزینه های دیگری، همچون بستن فرودگاه، از سوی افرادی مانند بیعی، فرمانده نیروی هوایی، مطرح شده بود؛ اما کمال حبیب اللهی، فرمانده نیروی دریایی، به شدت با آن مخالف بود؛ از این رو، بخش عمده جلسه بر موضوع تغییر مسیر هواپیمای امام(ره) و ربودن آن متمرکز شد. حبیب اللهی معتقد بود که «اگر فرودگاه را برای مدت نامحدودی ببندیم، آیت الله... را دیگری برای ورود به کشور پیدا خواهد کرد، چه از راه دریای و چه از راه زمین». در زمینه تحلیل گران و مداخله گران خارجی، سائروس ونس، وزیر خارجه کارتر نیز، از مخالفان سرسخت این طرح بود. در مقابل برژینسکی، سرسختانه بر اجرای آن اصرار داشت، تا جایی که توانست رئیس جمهور آمریکا را هم با خود به نظر کند. نکته قابل توجه در زمینه این طرح، اطلاع کامل سایر غرب و برخی از مقامات رژیم شاه از آن بود. زنده یاد صادق طباطبایی، یکی از همراهان و نزدیکان امام(ره) در آن روزها، در خاطرات خود می نویسد: «با اعلام بازگشت امام به ایران، نزدیکان امام(ره) در آن روزها، در خاطرات خود می نویسد: «با اعلام بازگشت امام به ایران، پیغام ها و توصیه های فراوانی به ایشان می شد که حالا به این ترتیب یادسفر را به تعویق بیندازند و این دلسوزی ها هم از جانب دوستان و هم از طرف دشمنان صورت می گرفت. جالب این که کارتر هم پیام داد برای حفظ جان خودتان بهتر است سفر را به مدتی بعد موکول کنید. مقامات فرانسوی از طریق دوستان و آشنایان همین پیغام را می دادند.» معلوم بود که این سناریو، با هدف سنگ اندازی در مسیر بازگشت امام(ره) به کشور و ایجاد فضایی به منظور اقدامات نظیر کودتا، برای حفظ رژیم پهلوی طراحی شده بود. اما این اقدامات نتوانست در عزم راسخ امام خمینی (ره) خللی ایجاد کند؛ بازگشت ایشان، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، زمینه ساز پیروزی قطعی انقلاب اسلامی شد.

پذیرش غیر حضوری آگهی های

شریک، تقدیر و تشکر

پذیرش تلفنی:

۳۷۰۰ ۹۹۹۹

پذیرش تلگرافی:

۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰

آگهی فراخوان مناقصه عمومی شماره ۹۷/۱۱۱**(نوبت اول)****شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی**

این شرکت در نظر دارد کنتور، تک فاز دیجیتالی با قاب مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید. لذا از تمامی تامین کنندگان دعوت می شود جهت دریافت، تکمیل و تحویل اسناد مناقصه به شرح درج شده در سایت شرکت به آدرس اینترنتی www.kcdc.ir و یا سایت تاونیر به آدرس اینترنتی www.tavanir.org.ir مراجعه فرمایند.

دفتر روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی

۰۵۱۶۸۶۶۲۱

عباس قره باغی**(۱۳۷۹-۱۲۹۷ هـ.ش)****گفت و گوی اختصاصی خراسان با «سر تیم حفاظت امام(ره)» در ۱۲ بهمن ۵۷**

خاطرات ناگفته از ورود و اقامت «رهبر محبوب خلق»

جواد نوائیان رودسریinfo@khorasannews.com

ورود امام خمینی(ره) به ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، به روند پیروزی انقلاب اسلامی شتابی دو چندان داد. با این حال، همه می دانستند که حفاظت از جان رهبر انقلاب، در روزهای پر التهاب بهمن ۱۳۵۷، کاری سخت، دشوار و در عین حال، حیاتی است. به همین دلیل، گروهی از جوانان انقلابی آن روز، کمر همت بستند و به پاسداری و حراست از جان رهبر انقلاب پرداختند. این جوانان از جان گذشته، نخستین تیم حفاظتی حضرت امام(ره) را در ایران تشکیل دادند. بدیهی است که حضور دایم در محل اقامت امام(ره)، در کنار تمام مشکلات و سختی های کار، در ذهن این افراد، خاطراتی را ثبت کرد که می تواند در بررسی تاریخ انقلاب اسلامی، نقشی ویژه و مهم ایفا کند. در آستانه سالروز ورود تاریخی حضرت امام(ره) به ایران، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، در گفت و گویی با حمیدرضا نقاشیان، سر تیم حفاظت حضرت امام(ره) پس از ورود ایشان به ایران و استقرار در دو مدرسه رفاه و علوی، به مرور وقایع نخستین ساعات حضور رهبر انقلاب در میهن پرداختیم. آقای نقاشیان در گفت و گو با خراسان، ضمن تشریح مشکلاتی که تیم حفاظت با آن روبه رو بود، روایت های ناب و ناشنیده ای را از نخستین ساعات ورود حضرت امام(ره) به ایران، روایت کرد.

نخستین مکانی که حضرت امام(ره) پس از ورود به ایران در آن جا مستقر شدند، کجا بود؟

نخستین مکانی که برای اقامت حضرت امام(ره)، پس از ورود ایشان به ایران، در نظر گرفته شد، مدرسه رفاه بود. طبیعتاً مجموعه ای که وظیفه حفاظت امام(ره) را بر عهده داشت، از چند روز قبل مدرسه رفاه را تحویل گرفته برای پاکسازی و ایمن کردن آن، اقدام کرده بود. به همین دلیل، من در مدرسه رفاه مستقر بودم.

بنابر این هنگام ورود امام(ره)، در فرودگاه مهرآباد حضور نداشتید.

همین طور است.

چطور شد که مدرسه رفاه را به عنوان اقامتگاه اولیه انتخاب کردند؟

انتخاب مدرسه دخترانه رفاه در خیابان «ایران»، توسط مرحوم شهید بهشتی و تعدادی از یاران امام انجام شد. به لحاظ مکانی هم جای بدی نبود؛ منتها چون در میان تیم اولیه ای که برای حفاظت محل انتخاب کرده بودند، افرادی وجود داشتند که به لحاظ فکری، نزدیکانی با جریان نهضت اسلامی نداشتند و بعضاً، به گروه هایی وابسته بودند که بعدا هری غیر از راه انقلاب اسلامی را برگزیدند، اعتراض هایی از سوی تعدادی از یاران امام، مانند شهید مطهری، صورت گرفت که باید در تیم حفاظت از مدرسه تغییراتی ایجاد شود.

چرا چنین افرادی برای تیم حفاظت انتخاب شده بودند؟

انتخاب این هاریشه در خوش بینی و نوع نگاه برخی از اطرافیان داشت. به هر حال، این افراد را از نگاه قسمت مرکزی ساختمان، یعنی محل اقامت حضرت امام(ره)، کنار گذاشتند و از اعضای گروه مبارز «صف» که در آن افرادی مانند

شهید بروجردی عضو بودند، خواستند که کار حفاظت این بخش را بر عهده بگیرند. مرحوم شهید بروجردی از من خواست که انجام این کار را بر عهده بگیرم و بنده هم، با تعدادی از دوستان، تیمی حفاظتی را تشکیل دادیم و محل را تحویل گرفتیم. البته بچه های گروه «صف» کار حفاظت پیرامونی حضرت امام(ره) در بهشت زهرا(س) را هم بر عهده داشتند. حفاظت از دیگر مکان ها و مسیرها، بر عهده گروه های دیگری مانند «مؤتلفه اسلامی» بود.

افرادی که از قبل آن جا مستقر بودند، در برابر تحویل دادن محل به شما، مقاومت نکردند؟

چرا؟ آن ها در برابر این تغییر مقاومت می کردند و طبیعتاً، سر و صداهایی هم به راه افتاد. اما شهید بهشتی، طی جلسه ای که با حضور ما و آن ها برگزار کرد، موفق به مدیریت این ناراحتی و اختلاف شد و قضیه به خیر و خوشی پایان یافت.

امام(ره) چه زمانی به مدرسه رفاه آمدند؟

زمان ورود حضرت امام(ره) به مدرسه رفاه، محرمانه بود و کسی از آن خبر نداشت. ایشان از بیمارستان هزارتخت خوابی که امروزه آن را با عنوان بیمارستان امام خمینی(ره) می شناسیم، به منزل یکی از اقوامشان در جاده شمیران رفتند و غروب بود که به اقامتگاه تشریف آوردند. از حدود ساعت یک بعد از ظهر تا زمانی که امام(ره) به مدرسه رفاه آمدند، ما نمی دانستیم کجا هستند و این برای همه ما، نگران کننده بود. حتی برخی گمان می کردند که ایشان توسط مأموران رژیم دستگیر شده اند. اما وقتی امام(ره) حدود ساعت پنج و نیم بعد از ظهر به مدرسه رسیدند، خیال همه ما راحت شد.

آیا فرد یا افرادی با حضرت امام(ره) در مدرسه رفاه دیدار کردند؟

بعد از ورود امام(ره) به مدرسه رفاه، ما هیچ فردی را به مدرسه راه ندادیم و به همین دلیل، آن شب دیدار ویژه ای نداشتیم. من خدمت حضرت امام(ره) رفتم و از ایشان خواستم که برای تیم حفاظت، دقایقی صحبت کنند و به آن ها روایت دهند. امام(ره) لطف کردند و پذیرفتند و مادر یاگردیله ها برایشان صندلی گذاشتیم و دوستان تیم حفاظت روی پله ها نشستند و امام(ره) هم، طی مدت یک ربع تا ۲۰ دقیقه، صحبت هایی کردند که برای همه ما امیدوار کننده بود و تأثیر عمیقی روی فرد فرد ما گذاشت. به یاد دارم که ایشان فرمودند: آن چه دار دبیش می آید، خواست خداست. قضایی که دارد مهیا می شود، قضایی است برای بیداری مسلمان ها و شما بداند که ما در این راه چه پیروز شویم و چه از بین برویم، یکی از دو خیر، «احدی الحسین» است که داریم انجام می دهیم.

پس شما تنها گروهی بودید که امام(ره) برای آن ها در مدرسه رفاه سخنرانی کردند.

بله؛ حضرت امام(ره) را پس از آن سخنرانی، ما محل اسکانشان که یکی از کلاس های طبقه بالای مدرسه بود، همراهی کردیم. برای امام(ره)، شام مختصری فراهم کرده بودیم. من سفر مر انداختم و شام را آوردم و همراه امام(ره)، مشغول صرف شام شدم. لحظات عجیب و ماندگاری بود. امام(ره) با مهریانی، چند بار فرمودند که «شما امروز خیلی خسته شدید» و من با سر مندگی عرض می کردم: «نه به اندازه شما».

مرحوم حاج احمد آقا، امام(ره) را همراهی نمی کردند؟

آخرین رئیس ستاد ارتش در دوره رژیم پهلوی بود. او پیش از آن، به وزارت کشور در کابینه شریف امامی و وزارت دارایی در کابینه از هاری منصوب شد. قره باغی در روزهای پایانی عمر رژیم شاه، رئیس ستاد ارتش شد و به عضویت شورای سلطنت درآمد. او با پیروزی انقلاب اسلامی، به فرانسه گریخت و در همان جا در گذشت.



زمان ورود حضرت امام(ره) به مدرسه رفاه، محرمانه بود و کسی از آن خبر نداشت. از حدود ساعت یک بعد از ظهر تا زمانی که امام(ره) به مدرسه رفاه آمدند، ما نمی دانستیم کجا هستند و این برای همه ما، نگران کننده بود. حتی برخی گمان می کردند که ایشان توسط مأموران رژیم دستگیر شده اند. اما وقتی امام(ره) حدود ساعت پنج و نیم بعد از ظهر به مدرسه رسیدند، خیال همه ما راحت شد



خبر، ایشان آن شب، از شدت خستگی و ضعف ناشی از ترانکم برنامه ها، نتوانستند به مدرسه رفاه بیایند و در منزل یکی از دوستان استراحت می کردند. ساعت حدود ۱۱ شب بود که دیدم مرحوم شهید مطهری و آقای منتظری وارد مدرسه شدند و گفتند که می خواهند با امام(ره) دیدار کنند؛ در صورتشان معلوم بود که ناراحت و نگران هستند. به آن ها گفتم که حضرت امام(ره) استراحت می کنند و اگر امکان دارد، دیدار را به زمان دیگری موکول کنند؛ اما نپذیرفتند و اصرار کردند که باید همین الان با امام(ره) صحبت کنند. به ناچار به طرف اتاق محل استراحت حضرت امام(ره) رفتم. همین که در را باز کردم، صدایشان را شنیدم که فرمودند: اتفاقی افتاده؟ فهمیدم که امام(ره) بیدار هستند. نزد ایشان رفتم و موضوع را گفتم. فرمودند بسیار خوب! از جایشان بلند شدند و من رختخواب را جمع کردم و دور اتاق پشتی گذاشتم؛ بعد پایین رفتم و مرحوم شهید مطهری و همراهشان را به بالادعوت کردم. مسئولیت پذیرایی از مهمانان هم با من بود. رفتم و چای دم کردم و آوردم. طی همین رفت و آمد ها، متوجه شدم که دلیل حضور مرحوم شهید مطهری و همراهشان، نگرانی آن ها در باره وضعیت حفاظت و امنیت محل استقرار امام است. امام(ره) نظر شهید مطهری را مبنی بر تغییر مکان قبول کردند و قرار شد که فردا اول وقت، از مدرسه رفاه، به مدرسه علوی برویم. محل جدید، شرایط خوبی داشت؛ دفتر انتظاماتی در آن ساخته شده بود که به دو طرف مدرسه اشراف داشت و می شد کار حفاظت و مراقبت را به دقت بیشتری انجام داد.

صبح، چه ساعتی به سمت مدرسه علوی حرکت کردید؟

ساعت حدود هفت صبح بود که راه افتادیم و با خود روی آقای ناطق نوری، حضرت امام(ره) را به مدرسه علوی رساندیم. محل دیدار های امام(ره)، طبقه پایین مدرسه بود، اما برای اسکان ایشان، منزل مجاور مدرسه را که متعلق به خانواده تدین بود، در نظر گرفتند. اعضای این خانواده از آجیل فروش های معروف تهران و در ضمن، بسیار مهربان و متدین بودند. رفت و آمد حضرت امام(ره) به منزل تدین، از طریق راهروی بالای مدرسه علوی صورت می گرفت.

درباره روز هایی صحبت می کنیم که هنوز رژیم، هر چند به ظاهر، زمام امور را در دست داشت و بختیار نخستوزیر بود. آیا اقداماتی از سوی دولت وقت برای محدود کردن حضرت امام(ره) یا حتی تهدید ایشان انجام نشد؟ پس از این که حضرت امام(ره) دولت موقت را تعیین کردند،

طبیعتاً حساسیت عوامل رژیم شاه افزایش پیدا کرد و آن ها داری سازمان دهی اقداماتی برای به دست گرفتن اوضاع بودند. با این حال، ابتکار عمل در دست حضرت امام(ره) و اطرافیان ایشان قرار داشت و احاطه ای که مردم به ران گان های نظامی، مانند ارتش و شهربانی، پیدا کرده بودند، مانع فعالیت های رژیم می شد. اما تقابل شدید بود؛ روز ۲۱ بهمن ماه، دولت بختیار حکومت نظامی را از ساعت دو بعد از ظهر شروع کرد؛ اما ظاهراً در همین زمان، دولت بختیار در صدد انجام اعمال شیطنت آمیزی هم بود و حتی می خواستند حضرت امام(ره) را ترور کنند.

چطور متوجه این موضوع شدید؟

بعد ها و ضمن کار روی پرونده های دیگر متوجه شدیم. چهار، پنج نفری را کمیته های انقلاب اسلامی و شهربانی آن موقع دستگیر کردند که دستگیری آن ها، اصولاً مربوط به ماجرای دیگری بود، اما ضمن اعترافاتی که کردند، به موضوع نقشه ترور حضرت امام(ره) و برنامه ای که برای این کار داشتند، پی بردیم. در روزنامه های همان دوره هم، اعترافات این افراد منعکس شد.

این موضوع نشان می دهد که شما و دوستانتان در تیم حفاظتی حضرت امام(ره)، کارتان را با دقت و درستی انجام می دادید.

کنترل و نظارت ما بر محل استقرار حضرت امام(ره) و دیدار های مردم با ایشان، بسیار دقیق و در سه لایه حفاظتی بود. ما دیدار ها را با مرحوم حاج احمد آقا هماهنگ می کردیم و هیچ ملاقاتی، بدون هماهنگی با ایشان انجام نمی شد. با این حال، دیدار هایی که انجام می گرفت، به دلیل کثرت جمعیت و شوق مردم برای دیدار با رهبرشان، مسئولیت ما را بسیار سنگین می کرد؛ و واقعا کنترل و نظارت کار بسیار دشواری بود و خود من، روزی ده، دوازده بار با افرادی که به مدرسه علوی مراجعه می کردند، بگو مگو و دعوا داشتم. همین که حضرت امام(ره) برای ملاقات با مردم به پشت آن پنجره می آمدند، یک دنیا خطر داشت. علاقه به امام(ره) باعث شده بود که مراجعه کنندگان، اصلاً موقعیت حساس ما و مسئولیت سنگین ما در آن قبال حفاظت از جان حضرت امام(ره) را احس نکنند و این کار ما را بسیار سخت و پیچیده می کرد.

از این روز ها و دیدار هایی که انجام می گرفت، خاطره ویژه ای ندارید؟

خاطرات شیرینی از آن دوران در ذهن من باقی مانده است؛ یکی از این خاطرات، دیدار شاگردان قدیمی حضرت امام(ره) با ایشان بود؛ شاگردانی که در دوران تبعید امام(ره) در ترکیه و عراق، نتوانسته بودند به ملاقات ایشان بروند؛ حس شوق عجیبی در چهره و کلام آن ها مشهود بود؛ حسی که آدم را به وجد می آورد.

آغاز ثبت نام مستأمنان

آغاز ثبت نام مستأمنان

آگهی موضوع ماده ۲ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

مکرم آموزش تخصصی رسانه

همراه با اعطای مدرک معتبر و قابل ترجمه

دیار نمان	دوره	مدرس	تعداد جلسات (هرز ترم)	شهریه	روز	ساعت
گرافیک	فتوشاپ مقدماتی تا پیشرفته	علیرضا عشقی	۲۰	۲۷۵	شنبه	۱۴-۱۸
	اینتراین	علی کنویسی	۲۰	۲۶۰	پنجشنبه	۱۶-۲۰
مدیریت بازرگانی	ایلوستریتور	فرهاد ارام	۲۰	۲۷۰	شنبه	۱۴-۱۸
	تایپوگرافی و لوگو طراحی	مهدی درویشی	۱۰	۲۶۰	چهارشنبه	۱۸-۲۰
روزنامه نگاری	خبر نویسی مقدماتی	امیر حسین یزدانیان	۱۰	۲۰۵	یکشنبه و سه شنبه	۱۵-۱۷
	روزنامه نگاری و آنتی گرافیک	مجید رضا فاکری	۱۰	۲۰۵	دوشنبه و چهارشنبه	۱۴-۱۶
تولید کننده	سیستم های مخابراتی	سید محمد حسینی	۱۰	۲۰۵	یکشنبه و سه شنبه	۱۵-۱۷
	پانداخت مخابراتی	علیرضا خاخواه	۱۰	۲۰۵	یکشنبه و سه شنبه	۱۵-۱۷
مبانی عکاسی	مبانی عکاسی	مهدی پیر سلامی	۱۰	۲۲۵	شنبه و دوشنبه	۱۶-۱۸
	ورایش حرفه ای عکس	رسول امین زاده	۱۰	۲۲۵	چهارشنبه	۱۶-۱۸
عکاسی	نورپردازی چهره	علی حسینیان	۷	۲۸۵	دوشنبه	۱۶-۱۹
	ترک عکس	مهدی فاضل	۱۰	۲۲۵	پنجشنبه	۱۴-۱۸
عکاسی پیشرفته	عکاسی پیشرفته	محمدرضا جعفری	۱۲	۲۹۰	شنبه	۱۶-۲۰
	عکاسی مستند اجتماعی	فرامرز عامل زاده	۱۰	۲۲۵	یکشنبه و سه شنبه	۱۴-۱۶
ترکیب بندی در عکس	ترکیب بندی در عکس	نوشین وفادار	۱۰	۲۲۵	یکشنبه	۱۸-۲۰
دیوار نمان	طراحی پایه	بهناز بویا	۱۰	۲۹۰	یکشنبه و چهارشنبه	۱۶-۱۹
	مدل سازی در عکس	حمید محمدزاده	۱۰	۲۴۵	یکشنبه	۱۴-۱۶
و انیمیشن	انیمیت در مایا	احمد علمدار	۱۰	۲۴۵	شنبه	۱۸-۲۰
	افتر افکت	سید مهدی حسینی	۱۰	۲۹۰	دوشنبه	۱۰-۱۲
مدیریت بازرگانی	پریمر	سید مهدی حسینی	۱۰	۲۹۰	دوشنبه	۱۲-۱۴
	استاپ موشن	سید مجتبی موسوی جزایری	۲۰ ساعت	۵۹۰	شنبه و سه شنبه	۱۶-۲۰
دوبله و گویندگی	مربی گری مقدماتی	مرتضی ملجی	۸	۲۴۵	چهارشنبه	۱۸-۲۰
	دوبله مقدماتی	مجید داوودی	۲۰ ساعت	۲۴۵	یکشنبه	۱۶-۱۹
مدیریت بازرگانی	مبانی گویندگی رادیو	علی زکریایی	۱۴	۲۹۰	دوشنبه	۱۶-۱۸
	مدل سازی و مقدمات آواز (خانه ها)	میترا عسکری	۱۲	۲۵۵	شنبه	۱۸-۲۰
مدیریت بازرگانی	فن بیان و ارتباط موثر	علی زکریایی	۱۴	۲۹۰	شنبه	۱۶-۱۸
	تئوری موسیقی (سلز)	میترا عسکری	۱۲	۲۴۵	دوشنبه	۱۴-۱۶
داستان نویسی	دوره مقدماتی عناصر داستان	هادی نقی زاده	۲۰	۱۸۰	پنجشنبه	۱۴-۱۶
	فشار سازی و پلات در ادبیات داستانی	هادی نقی زاده	۱۰	۲۰۵	پنجشنبه	۱۶-۱۸
مدیریت بازرگانی	دوره مقدماتی عناصر داستان	علی موسی زاده	۱۰	۱۸۰	شنبه	۱۶-۱۸
	تکنیک های دیالوگ نویسی	علی موسی زاده	۱۰	۲۰۵	چهارشنبه	۱۶-۱۸
مدیریت بازرگانی	دوره پیشرفته عناصر داستان	فرحان نوری	۱۰	۱۹۰	چهارشنبه	۱۶-۱۸